

راهکار امام خمینی (ره) برای ایجاد صلح و جهان عاری از خشونت

دکتر شریف لک زایی

دانش آموخته حوزه علمیه قم و استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
sharif@isca.ac.ir

رضا لک زایی

دانش آموخته حوزه علمیه قم و پژوهشگر پژوهشگاه بین المللی جامعه المصطفی العالمیه (ص)
rlakzaee@gmail.com

چکیده

این مقاله راجع به راهکاری بر اساس چهارچوب نظری متخذ از حدیث نبوی که از جانب امام خمینی (ره) شرح شده است، با روش توصیفی تحلیلی ارائه می‌شود. بر اساس تفسیر انسان‌شناسانه حضرت امام از این حدیث، انسان دارای سه بعد بینشی و عقلی، گرایشی و ارزشی، کنشی و رفتاری می‌باشد. به همین دلیل راهکار امام برای ایجاد صلح و جهان عاری از خشونت دارای سه بعد است که عبارتند از:

در بعد اول، معطوف به این نکته است که آتش خشونت و غضب، قادر است که اعتقاد و ایمان انسان را پوچ و به خاکستر تبدیل کند. در نتیجه هر چه ایمان و اعتقاد انسان فزونی گیرد، آتش خشم و غضب نیز فروکش کرده و جهان از صلح و امنیت بیشتری برخوردار می‌شود.

در بعد دوم، معطوف به تقویت جنود عقل در انسان، جامعه و دولت، از جمله رأفت، رحمت، اخوت، محبت، شجاعت و پرهیز از جنود جهل شامل قساوت، خشم، خشونت، ترس، ضعف نفس، حب نفس و حب دنیا است. بنابراین هر مقدار جنود عقل در انسان، جامعه و دولت تقویت و جنود جهل تضعیف شود، جهان امن‌تری خواهیم داشت.

در بعد سوم، امام دو راهکار ارائه می‌کند؛ راهکار علمی و راهکار عملی. راهکار علمی امام، تفکر در آفات و مفسدات اعتقادی، اخلاقی و عملی خشونت است؛ چون ایشان استعاره آتش را برای غضب و خشونت به کار می‌برد. به عنوان راهکار عملی می‌فرماید قبل از آنکه آتش

غضب و خشونت شدت گیرد، مکانی که اسباب غضب و خشونت در آنجا تدارک شده را ترک کند، در غیر این صورت تغییر وضعیت بدهد. از آنجا که نگاه اسلام به فرد انسان یک نگاه مکمل و منسجم است، این سه بعد، دارای انعکاس مستقیم در سطوح و ابعاد مختلف جامعه است. به این ترتیب امام با نکته سنجی دقیق و مبتنی بر معارف فلسفی، اخلاقی و فقهی، بحران خشونت، ریشه‌های بحران، وضع مطلوب، و روش گذار از وضع نامطلوب به وضع مطلوب را در ساحات گوناگون حیات بشری تبیین می‌کند. نمونه عینی این تفکر، در انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، دفاع مقدس و پس از آن پیش چشم جهانیان است.

واژگان کلیدی: امام خمینی^(ع)، انقلاب اسلامی، صلح، خشونت، انسان‌شناسی.

مقدمه

بر اساس نظریه طبقه‌بندی علوم امام خمینی^(ع)، هر انسان، پدیده و جریانی حداقل از سه منظر قابل تحلیل و بررسی است: بعد بینشی و عقلی، بعد گرایشی و ارزشی، بعد کنشی و رفتاری. امام بر اساس فرمایش حضرت رسول الله صلوات الله علیه و آله که می‌فرمایند: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةُ مُحْكَمَةٍ وَ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ وَ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ؛ همانا دانش سه گونه است: آیتی محکم؛ فریضه‌ای عادل؛ سنتی استوار» (اصول کافی ج ۱: ۳۷) ایشان معتقدند متعلق دانش سه مرتبه از مراتب وجود انسان است: اول، نشئه آخرت و عالم غیب و مقام روحانیت و عقل؛ دوم، نشئه برزخ و عالم متوسط بین العالمین و مقام خیال؛ سوم، نشئه دنیا و مقام ملک و عالم شهادت. (امام خمینی ۱۳۷۹: ۳۸۶) در این نظریه بر مبنای انسان‌شناسی، علوم به سه بخش قسمت می‌شوند که البته این سه بخش، سه مرتبه وجودی هستند و رابطه تشکیکی با هم دارند نه آنکه قسیم و مابین با هم باشند. (همان ۱۳۷۹: ۳۸۴)

زمانی که از خشونت یا عطفوت سخن می‌گوییم، ذیل این نشئات سه‌گانه باید سخن گفت. طبق نظریه دو فطرت امام خمینی^(ع) یعنی فطرت محجوبه و فطرت مخموره، خشونت و عطفوت، در ابتدا به خوب و بد تقسیم نمی‌شوند و ذیل جنود عقل و جنود جهل قرار نمی‌گیرند. اگر در وجود انسان فطرت مخموره که نماینده آن عقل است، حاکم باشد، خشونت انسان هم در پارادایم جنود عقل قرار می‌گیرد و اگر در وجود انسان فطرت محجوبه که نماینده آن جهل است، حاکم شود، عطفوت انسان در پارادایم جنود جهل جای می‌گیرد.

فطرت مخموره و فطرت محجوبه، قوای انسان شهویه، غضبیه، وهمیه را در اختیار می‌گیرند، اگر قوای انسان تحت تصرف فطرت محجوبه قرار گرفتند، انسان از صراط مستقیم و طریق هدایت منحرف می‌شود و اگر قوای انسان تحت تدبیر فطرت مخموره قرار گرفتند، سرعت و سبقت انسان در صراط مستقیم افزایش می‌یابد.

بر اساس این چهارچوب نظری که به اختصار مطرح شد، در ابتدا به مفهوم شناسی بحث می‌پردازیم و سپس به تبعات خشونت و راهکارهای امام برای مهار خشونت در وجوه سه‌گانه انسان و جامعه می‌پردازیم.

۱. مفهوم‌شناسی

امام خمینی^(ره) فیلسوفی سیاسی است و از منظر یک فیلسوف سیاسی، راجع به شبکه معنایی خشونت، بحث مبسوطی انجام داده است. ایشان علاوه بر خشونت که می‌توان آن را حالت افراطی قوه غضبیه آدمی دانست، راجع به قساوت، رأفت، رحمت، لین، حلم، شجاعت، صفح، انتقام، استسلام و ... بر اساس چهارچوب نظری انسان‌شناسانه خویش، سخن گفته است. در این شبکه معنایی، حضرت امام برخی از دیدگاه‌های صدرالمتألهین شیرازی را به چالش کشیده و آنها را در چارچوب حکمت متعالیه ارتقا داده و تکمیل نموده است. وی نه تنها از لحاظ لغوی به برخی از واژه‌ها توجه نشان داده بلکه از لحاظ وجودشناختی هم آنها را مورد بررسی قرار داده است. این بعد از کار را امام به عنوان یک فیلسوف سیاسی انجام داده است.

۱.۱. مفهوم رأفت و رحمت

امام خمینی^(ره) در بحث از رأفت و رحمت، ابتدا از قول اهل لغت و ادب می‌فرماید که آنها رأفت را کمال رحمت می‌دانند و معتقدند که رأفت رقیق‌تر از رحمت است. (طریحی ج ۵: ۶۱؛ صحاح الغه ج ۴: ۱۳۶۲) سپس ترجمه سخنان صدرالمتألهین شیرازی را به عنوان «بعض اهل تحقیق و فلسفه» چنین نقل می‌کند:

رحمت و رأفت متقارب هستند، چنانچه ضد آنها نیز که قسوت و غضب است همین‌طور است. و دو تای اول تفسیر شده‌اند به رقت قلب. و گوئی رحمت، حال قلب معنوی- یعنی «نفس»- است، و رأفت، حال قلب جسمانی است؛

زیرا که برای روح که عقل است، مظاهر و منازل است، مثل نفس و بدن.

و همین طور غضب، حال نفس است، و قسوه حال قلب صنوبری است. (امام

خمینی ۱۳۸۸: ۲۳۰؛ صدرالدین شیرازی ۱۳۹۱: ج ۱: ۴۳۵)^۱

در جدول ذیل، دیدگاه صدرالمتهلین شیرازی درباره خشونت، که البته عنوان غضب برای آن به کار رفته قابل مشاهده است؛

ردیف	صدرالمتهلین شیرازی			
	لفظ	مفهوم	رابطه	متعلق
۱	رأفت	رقت قلب	به لحاظ معنایی به یکدیگر نزدیک (و مقارب) هستند.	قلب صنوبری جسمانی
۲	رحمت	رقت قلب		قلب معنوی نفسانی
۳	قساوت	ضد رأفت		قلب صنوبری جسمانی
۴	غضب	ضد رحمت		قلب معنوی نفسانی

این که غضب را معادل خشونت قرار دادیم به این دلیل است که «خطر این قوه از سایر قوا بیشتر است؛ چون این قوه با سرعت برق گاهی کارهای بسیار بزرگ خانمان سوز کند، و با یک دقیقه انسان را از تمام هستی و سعادت دنیا و آخرت ساقط کند.» (امام خمینی همان: ۳۷۱) این تعبیر وی نشان می‌دهد که امام به عنوان فیلسوف سیاسی، به بحث خشونت توجه نشان داده است و به ویرانی‌ها و خسارت‌های خانمان سوز مادی و معنوی آن کاملاً توجه داشته و نسبت به آن تنبیه داده است. اگر بخواهیم خشونت را در شبکه معنایی حضرت امام نشان بدهیم و با نظریات صدرالمتهلین شیرازی مقایسه کنیم، جدول ذیل مناسب خواهد بود.

۱. قوله عليه السلام: و الرؤفة و ضده القسوة و الرحمة و ضدها الغضب. هذان الجندان اعنى الرؤفة و الرحمة متقاربان فى المعنى و كذا ضدهما اعنى القسوة و الغضب، و قد فسررت الاوليان برقة القلب، و كأن احدهما و هى الرحمة حال القلب المعنوى اعنى النفس و الاخرى و هى الرؤفة حال القلب الجسمانى، فان للروح - و هو العقل - مظاهر و منازل كالنفس و البدن و كذا الغضب حال النفس و القسوة حال القلب الصنوبرى.

ردیف	امام خمینی (ره)			
	لفظ	مفهوم	رابطه	متعلق
۱	رأفت	۱. هر دو از امور وجودی، معنوی، غیر جسمانی و ملازم با ادراک یا مقوم به ادراکند. ۲. در هویت وجودی رأفت و رحمت، رقت که ملازم با انفعال است، دخالتی ندارد. ۳. احکام و آثار هر یک بر اساس نشئات (و تشکیک) وجود، قابل تغییر است. چنانچه در نشئه نازل طبیعت ملازم با انفعال و تأثر است. ۴. رأفت به افق جسمانیت، نزدیک‌تر از رحمت است.	رأفت لازمه لینت است و لینت، متضاد قسوت است؛ بنابراین در حدیث جنود عقل و جهل، تقابل حقیقی مراد نیست، بلکه مقصود، تقابل لازم یا ملزوم است.	از صفات نفس است، در بعد ظاهری آن که می‌توان آن را «مقام صدر» نامید.
۲	رحمت	وجود، قابل تغییر است. چنانچه در نشئه نازل طبیعت ملازم با انفعال و تأثر است. ۴. رأفت به افق جسمانیت، نزدیک‌تر از رحمت است.	رحمت لازمه یا ملزوم حلم است و حلم، متضاد غضب است؛ بنابراین در حدیث جنود عقل و جهل، تقابل حقیقی مراد نیست، بلکه مقصود، تقابل لازم یا ملزوم است.	از صفات نفس است، در بعد غیبی ملکوتی آن.
۳	قساوت	غلظت، شدت و صلابت قلب	قساوت و غضب دو صفت و حال قلبند و ربطی به یکدیگر ندارند.	از صفات و احوال قلب در بعد غیبی ملکوتی آن.
۴	غضب	حرکت و حالت نفسانی است که به وسیله آن جوشش و غلیان در خون قلب با انگیزه انتقام ایجاد می‌شود.		از صفات و احوال قلب در بعد ظاهری آن.

جدول شبکه معنایی امام خمینی (ره) در بحث خشونت

۱.۲. متعلق و تفاوت رحمت و رأفت

بر اساس چهارچوب نظری انسان‌شناسانه امام که متخذ از حدیث شریف نبوی است، می‌توان گفت که رحمت، فعل قلب انسان و به مجرد نزدیک‌تر است و جایگاه آن نشئه دوم وجود آدمی، یعنی نفس، قلب و باطن و جوارح اوست. جایگاه و موطن اصلی رأفت که از رحمت به افق جسمانیت نزدیک‌تر است، نشئه نفس و قلب انسان است اما انعکاس و تالکؤ آن از نشئه و مقام دوم نفس، به نشئه سوم که ناظر به عالم مادی و جهان طبیعی است، کشیده می‌شود. راجع به تفاوت این دو شاید بتوان گفت، انسان دارای رحمت، به فرض اگر به هر دلیلی به هیچ موجودی رحمت نرزد، باز هم دارای رحمت است؛ اما انسان رئوف تا زمانی که رأفتش ظاهر نشود، نمی‌توان او را رئوف نامید. از طرف دیگر، می‌شود که یک فعل به رأفت متصف نشود، اما به رحمت متصف شود. مثلاً قصاص، حدود، تعزیر و ... ظاهر رئوفی ندارند و رأفت هم نامیده نمی‌شوند اما رحمت می‌نامند، چون با تنبیه هر مجرم و متجاوز و ظالمی، سلامت جانی و مالی سایر آحاد جامعه، تأمین و باعث بخشیده شدن خود آن مجرم، در درگاه الهی هم می‌شود. رحمت و رأفت، هر دو مثل علم، قدرت و حیات، اوصاف وجودی‌اند و نه عرض و از مقوله انفعال، لذا به عنوان اوصاف ذاتی، صفاتی و افعالی خداوند متعال در عالی‌ترین و شریف‌ترین معنا صدق می‌کنند و از آنجا که تشکیکی‌اند، بر دیگر موجودات هم اطلاق می‌شوند و در برخی از سلسله تشکیک امکان دارد که رنگ انفعال هم به خود بگیرد.

۱.۳. مفهوم و تفاوت قساوت و غضب

غلظت، شدت، صلابت و سختی قلب را قساوت می‌نامند (صحاح اللغة ج ۶: ۲۴۶۲؛ لسان العرب ج ۱۱: ۱۶۸؛ امام خمینی همان: ۲۳۹) که متضاد لین و رقت و نرمی است. (امام خمینی همان: ۲۳۹) غضب هم حالتی نفسانی است که باعث می‌شود خون انسان برای گرفتن انتقام به جوش بیاید، وقتی این حرکت شدت گرفت، آتش غضب را شعله‌ور و فضای ذهن را از دودی تاریک و غلیظ پر می‌کند. این دود تیره و متراکم و غلیظ، باعث اختلال و انحراف کارکرد ادراکی

۱. امام خمینی لین و نرمی را متضاد قساوت و حلم را متضاد غضب می‌داند و رابطه تضادی که بین رحمت، رأفت، قساوت و غضب در حدیث جنود عقل و جهل ذکر شده را مقابله حقیقی نمی‌داند، بلکه معتقد است که لازم یا ملزوم مقابل مد نظر است. ر.ک: (امام خمینی ۱۳۸۸: ۲۴۰)

عقل می‌شود. در این حالت، نه تنها موعظه و نصیحت برای شخص خشمگین فایده‌ای ندارد، بلکه آتش خشمش را بیشتر و بیشتر می‌کند. (همان: ۲۴۰)

۱.۴. تفکیک خشونت و غضب از شجاعت

امام خمینی (ره) بین غضب و شجاعت تفکیک می‌کند. این تفکیک از چند بعد انجام شده است؛

الف. منشأ و مبدأ: شجاعت از قوّت نفس و اطمینان آن، ایمان، اعتدال، دلبستگی نداشتن به دنیا و ... نشأت می‌گیرد. در حالی که منشأ غضب ضعف و تزلزل نفس، سستی ایمان و عدم اعتدال مزاج روح، محبت به دنیا، اهمیت دادن به دنیا و ترس از دست دادن لذت‌های نفسانی است.

ب. تأثیر سن، جنسیت و سلامت: ایشان خشونت و غضب را در زن بیش از مرد، در شخص بیمار بیش از شخص سالم، در بچه بیش از بزرگسال و در پیر بیش از جوان می‌داند، بر عکس شجاعت.

ج. تأثیر سایر صفات فاضله و رذیله: از طرفی کسانی که دارای رذایل اخلاقی هستند در مقایسه با کسانی که دارای فضایل اخلاقی‌اند، زودتر خشمگین می‌شوند، مثلاً می‌بینیم که اگر متعرض مال و منال شخص بخیل شوند، زودتر و شدیدتر خشمگین و وارد وادی خشونت می‌گردند. (همان: ۱۴۲)

شجاعت و خشونت در آثار هم با هم یکدیگر تفاوت دارند که مطالعه آن را به آثار امام خمینی (ره) ارجاع می‌دهیم. (همان: ۱۴۳)

۱.۵. تفکیک قوه غضبیه از غضب

امام خمینی (ره) بین قوه غضبیه و غضب تفکیک می‌کند. وی از قوه غضبیه با عنوان «قوه شریفه غضبیه» (همان: ۱۳۴، ۲۴۲) تعبیر می‌کند اما غضب حالت انحرافی این قوه شریفه است. امام غایت غضب را انتقام گرفتن می‌داند. وی اذعان دارد که ریشه گذشت و صفح که متضاد انتقام است، در ترک حبّ دنیا و حب نفس، ریشه دارد و انتقام و غضب بی‌مورد از حبّ دنیا، حبّ نفس و اهمیت دادن به امور دنیوی آب می‌خورد. (همان: ۴۲۶) از این روی، فرد انتقامجو

قوه غضب خود را در راه طبیعت و للنفس خرج می‌کند و از سوی نعماتی که خداوند برای رهایی از دام دنیا و طبیعت و حرکت لله و فی سبیل الله به او عنایت کرده، به دام می‌افتد و به نعمت‌ها و امانت‌های خدایی خیانت می‌کند. فرد، جامعه، دولت یا سازمان انتقامجو، اهل گذشت نیست و به اندک بهانه‌ای به دیگران (افراد یا حتی شهرها و کشورها) حمله می‌کند و این همه از حب دنیا و حب نفس و اهمیت دادن به آن و حرکت بر مدار نفس، نشأت می‌گیرد، در حالی که فرد، (یا دولت یا سازمانی) که اهل گذشت و صفح است از کسانی (یا گروه‌ها و سازمان‌ها) که به او ظلم شخصی کرده‌اند، می‌گذرد و راهبردش اولویت و تقدم بخشش و گذشت بر تنبیه و مجازات است.

۱.۶. انگیزه خشونت و غضب

ایشان علاوه بر انتقام، با استناد به حدیثی از امام صادق علیه السلام کبر را هم یکی دیگر از علل خشونت و غضب معرفی می‌کند:

از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند: حواریون عیسی علیه‌السلام به آن حضرت گفتند: سخت‌ترین چیزها چیست؟ فرمود: سخت‌ترین چیزها، غضب خداوند عز و جل است. آنان گفتند: به چه چیزی خود را از غضب خدا حفظ کنیم؟ فرمود: به اینکه غضب نکنید و خشمگین نشوید. آنان گفتند: منشأ غضب چیست؟ فرمود: کبر و خودکامی و کوچک شمردن مردم.^۱

از این حدیث شریف استفاده می‌شود که علت غضب بیجا، کبر و خودبزرگ‌بینی انسان و کوچک و حقیر شمردن مردم است. کسی که خود را اصل می‌داند و دیگران را حاشیه، زود دست به دامان قوه قهریه می‌شود. کسی که می‌خواهد از خشم خدا ایمن باشد، آراسته به زیور صبر و تواضع است و غضبش را به فرمان عقل خویش درمی‌آورد. اگر فایده فروخوردن خشم و کنترل آن، فقط در امان ماندن از خشم خداوند بود، سودی بزرگی محسوب می‌شد. از همین

۱ - «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ الْخَوَارِجُونَ لِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ: يَا مَعْلَمَ الْخَيْرِ أَغْلَمْنَا أَمْ الْأَشْيَاءُ أَشَدُّ؟ فَقَالَ أَشَدُّ الْأَشْيَاءُ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. قَالُوا: فِيمَ يُتَّقَى غَضَبُ اللَّهِ؟ قَالَ: بِأَنْ لَا تَغْضَبُوا قَالُوا: وَمَا يَدُّ الْعُصْبِ؟ قَالَ: الْكِبَرُ وَ التَّجَبُّرُ وَ مُحَقَّرَةُ النَّاسِ.» (شیخ صدوق ۱۳۶۲ ج ۱: ۱۷ ح ۶)

رو، افراد (دولت‌ها، سازمان‌ها، نهادها) از قوه قهریه و قدرت در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی به عنوان استکبار و برای انتقام، جنگ‌افروزی و غارت ثروت دیگر ملل بهره نمی‌گیرند، به این ترتیب، نه قوه غضبیه در خدمت قوه شهویه قرار می‌گیرد و نه قوه شهویه در خدمت قوه غضبیه؛ بلکه هر دو در خدمت عقل رحمانی قرار می‌گیرند. بر این مبناست که انسان عاقل، از ظلمات عبودیت، اطاعت خشم، شهوت، حرص و ... خارج و به نور آزادی معنوی وارد می‌شود که مادر سایر آزادی‌هاست. بنابراین پاسخ امام خمینی به این پرسش که خشونت چه زمانی رخ می‌دهد، این است که زمانی که انسان (و یا یک حزب، سازمان، دولت و کشوری) خود را از طرف مقابل بهتر و برتر بداند، که ریشه آن به حبّ دنیا و حبّ نفس برمی‌گردد.

شبکه معنایی کبر، به عنوان یکی از عوامل مهم خشونت، در جدول ذیل قابل مشاهده است: (همان: ۳۹۸)

شبکه معنایی کبر به عنوان یکی از عوامل خشونت		
در مقابل استسلام است که انقیاد ظاهری از روی تسلیم باطنی است. پس، نه هر انقیادی استسلام است و نه هر نافرمانی و سرکشی استکبار است.	اگر قلب معیوب باشد و آفت خودبینی و خودخواهی در آن متمکن شود، کبر در آن حاصل شود.	منشأ کبر
	حالتی است نفسانیه که حالت بزرگ دیدن خود و بالاتر دیدن خود از دیگران است.	مفهوم کبر
	و اگر طبق این حالت نفسانیه رفتار کند و در ظاهر بزرگی فروشد بر بندگان خدا، گویند: تکبر کرد.	مفهوم تکبر
	اگر از روی این کبریا نفسانی نافرمانی و سرکشی کند، گویند: استکبار نمود. پس استکبار نافرمانی و سرکشی حاصل از کبر است.	مفهوم استکبار

۲. بعد بینشی و عقلی

این بعد، معطوف به این نکته است که آتش خشونت و غضب، قادر است اعتقاد و ایمان انسان را پوچ و به خاکستر تبدیل کند. در نتیجه هر چه ایمان و اعتقاد انسان فزونی گیرد، آتش خشم

و غضب نیز فروکش کرده و جهان از صلح و امنیت بیشتری برخوردار است. در ادامه به اختصار به چند مورد از کارکردهای خشونت که بر باطن انسان تأثیرگذار است، اشاره می‌کنیم. ظاهراً در این بعد، نزاع میان ایمان و کفر درمی‌گیرد.

۲.۱. تنبیه به بحرانی ملکوتی

ما در حجاب‌های ظلمانی حیات دنیوی گرفتاریم و از ملکوت نفس و آسیب‌ها و خطراتی که به صورت بالفعل و بالقوه، متوجه حیات ملکوتی ماست، بی‌خبریم. از جمله قادر نیستیم درک کنیم که بین غضب و از دست دادن نور ایمان چه رابطه‌ای وجود دارد. اما طبیبان عالم قدس که دارای علم ملکوتی‌اند و بینشی نافذ در ملک و ملکوت دارند، به خوبی بیماری‌های باطنی ما را تشخیص می‌دهند و مأموریتی الهی دارند که با گفتن آن حقایق باطنی و ملکوتی به ما هشدار بیدار باش بدهند و بیدارمان کنند. بنابراین انسان بدون استفاده از دانش الهی از تأثیر مخرب خشونت بر این بعد از وجود خود، به کلی غافل است و فقط به وسیله کتاب و سنت از آن خطرات و آسیب‌ها آگاه می‌شود. به تعبیر دیگر برای رهایی از خشونت و وارد شدن به وادی رحمت، باید از رهبران اصلی و واقعی اسلام یعنی انبیای الهی، اوصیای الهی و علمای بیدار و مهذب و آگاه اطاعت کرد.

۲.۲. خشونت انسان و از دست دادن ایمان

آن آگاهی و تنبیه مهم طبیبان عالم قدس این است، که همان طور که سرکه غسل را به سرعت فاسد و آن شیرینی لطیف را به تلخی و ترشی نامطبوع تبدیل می‌کند، آتش غضب نور ایمان را خاموش می‌کند.^۱ بنابراین غضب و خشونت، می‌تواند سرمایه حیات ملکوتی انسانی یعنی ایمان آدمی را نابود کند و از بین ببرد و او را با دست خالی رهسپار خانه جاوید کند. حتی ممکن است که خشونت در همین دنیا هم انسان را دچار شقاوت و بدبختی کند و به دین و

۱. «فی الوسائل، عن الکافی، بإسنادِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - «الْغَضَبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ» (حر عاملی ۱۳۹۱ ق. ج ۱۵: ۳۵۸ باب ۵۳ از ابواب جهاد نفس ح ۲؛ کلینی ۱۳۸۷ ج ۲: ۲۲۹ باب غضب ح ۱؛ علامه مجلسی ۱۴۰۳ ق. ج ۷۳: ۲۶۶ ح ۱۹، ۲۱؛ مستدرک الوسائل ج ۱۲: ۷ باب ۵۳ از ابواب جهاد نفس ح ۳؛ الجعفریات: ۱۶۳ باب غضب).

دنیای انسان خسارت‌های جبران ناپذیر وارد سازد. (همان: ۲۴۷-۲۴۸) علت این خطر بزرگ این است که با شعله کشیدن غضب و خشونت، ممکن است که انسان از دین خدا خارج شود و به خدای تعالی و انبیای عظام علیهم السلام جسارت کند! و چه بسا که در حالت غضب و خشونت، خون انسان محترمی را بر زمین بریزد و به بی‌گناهی تهمت بزند؛ چنانچه از حضرت صادق - علیه السلام - در کتاب کافی نقل شده که: «پدرم می‌فرمود: کدام چیز از غضب شدیدتر است؟! همانا انسان غضب می‌کند پس می‌کشد نفسی را که خداوند حرام فرموده و تهمت به زن نیکوکار می‌زند.» (کلینی ۱۳۸۷ ج ۲: ۲۲۹ کتاب ایمان و کفر باب غضب ح ۴) به طور کلی می‌توان گفت که معمولاً محال است که انسان در حال شدت غضب و شعله‌ور شدن زبانه‌های آن، از سایر معاصی نجات پیدا کند. (امام خمینی ۱۳۷۹: ۱۳۷)

۲.۳. خشونت انسان و آتش غضب الهی

مطلب دیگری که از جانب طبیبان عالم قدس در اختیار ما قرار گرفته این است که باطن خشونت و غضب انسان، در واقع صورت آتش خشم و غضب الهی است و به صورت خشم خدا متمثل می‌شود و باطن و ملکوت انسان را، یعنی همین بعد غیبی وجود انسان را که از آن در قرآن به فؤاد تعبیر شده، به آتش می‌کشد، آتشی که به سایر ابعاد وجود انسان نیز سرایت می‌کند و در این حدیث شریف به آن اشاره شده است: (همان ۱۳۸۸: ۲۴۹)

از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند: حواریون عیسی علیه السلام به آن حضرت گفتند: سخت‌ترین چیزها چیست؟ فرمود: سخت‌ترین چیزها، غضب خداوند عز و جل است. آنان گفتند: به چه چیزی خود را از غضب خدا حفظ کنیم؟ فرمود: به اینکه غضب نکنید و خشمگین نشوید. (شیخ صدوق ۱۳۶۲ ج ۱: ۱۷ ح ۶)

ظاهراً از اینکه مسیح علیه السلام فرمود با کنترل غضب و خشونت خودتان، مانع غضب الهی شوید، امام خمینی، نکته‌ای را که مطرح شد، استنباط نموده است.

به یاد داشتن این خطرات و معالجه خشونت، بویژه از سوی رهبران و نخبگان و مسئولان و مدیران جامعه باعث می‌شود که خشونت، مخصوصاً در جوامع اسلامی به کم‌ترین حد خود برسد. امام این بحث را این‌طور جمع‌بندی می‌کند:

انسان در حال سلامت نفس باید خیلی خوفناک باشد از حال غضبناکی خود. و اگر دارای این آتش سوزان است، در وقتی که حالت سکونت از برای نفس است در صدد علاج برآید و با تفکر در مبادی آن و مفسدات آن در حال اشتداد و آثار و مفسدات آن فکر کند قوه‌ای را که خدای تعالی برای حفظ نظام عالم و بقای نوع و شخص و ترتیب نظام عایله و تمشیت بنی الانسان و حفظ حدود و حقوق مرحمت فرموده، و در سایه آن باید نظام ظاهر و باطن و عالم غیب و شهادت اصلاح شود، اگر انسان در خلاف آن و بر ضد مطلوبات حق تعالی و خلاف مقاصد الهی صرف کند، چه قدر خیانت کرده و مستحق چه ملامت‌ها و عقوبت‌هایی است. و چقدر ظلوم و جهول است که رد امانت حق تعالی را نکرده، سهل است، او را صرف در راه عداوت و تحصیل غضب او کرده. معلوم است چنین شخصی امان از غضب الهی ندارد. پس از آن، تفکر کند در مفسدات اخلاقی و اعمالی که از غضب تولید شود، و آثار این خلق ناهنجار است که هر یک ممکن است انسان را تا ابد مبتلا کند: در دنیا گرفتار زحمت و بلیه نماید، و در آخرت گرفتار عذاب و عقاب. (۱۳۷۹: ۱۳۸)

۲.۴. رحمت به جای خشونت

امام از یک سو به پرهیز از خشونت دعوت می‌کنند و از سوی دیگر به رحمت و عطوفت. مخلوقات ممکن الوجودند و امکان ندارد که ممکن الوجود، ذاتاً از خود چیزی داشته باشد یا از سوی موجودی مثل خودش به او چیزی داده شده باشد؛ پس هر آنچه که ممکن الوجود دارد، از رحمت پروردگار عالمیان است و تمام برکات و آثاری که آنها دارند، رحمت‌ها و موهبت الهی است؛ از همین روی گفته‌اند «کل موجود مرحوم» و این یعنی اینکه رحمت رحمانیه خداوند جهان شمول است و تمامی موجودات، مورد رحمت پروردگار عالمیان می‌باشند. پس خداوند رب العالمین است و تربیتش جهان شمول و جلوه‌گر رحمتش می‌باشد؛ پس آنچه و آن کس که مورد عنایات و الطاف و محبت‌های الهی است چرا مورد محبت ما نباشد؟ (۱۳۸۹: ۲۲۴) و از اینجا امام به فرزندان و بلکه به تمام بشریت توصیه می‌کنند:

پسرم! اگر می‌توانی با تفکر و تلقین نظر خود را نسبت به همه موجودات به

ویژه انسان‌ها نظر رحمت و محبت کن! (۱۳۸۵ ج ۱۶: ۲۱۸)

از نگاه عالمانه و عارفانه حضرت امام اگر کسی نگاهش به موجودات و مخصوصاً انسان‌ها از سر مهر و رحمت و محبت نباشد، یک نقص و ایراد محسوب می‌شود و ناشی از کوتاه بینی آن شخص (همان) و بلکه مکتب و دولت و حکومت و جهان بینی است. نقصی که تمامی سازمان‌هایی که عنوان بین‌المللی را یدک می‌باشند با آن روبرو هستند.

امام محبت انبیا به انسان‌ها را ناشی از همین نگاه و عشق آن بزرگواران به خداوند متعال می‌داند و تصریح می‌کند:

انبیا و مرسلین به واسطه ادراک کامل خود، همان عشق و محبت شدیدی که به حضرت حق دارند نسبت به آثار و متعلقات او هم دارند و الا معقول نیست پیامبری هزاران زحمت را متحمل گردد به این امید که کسی را هدایت کرده و از ضلالت برهاند. از اینجاست که حقیقه حضرت خاتم، ما را بیشتر از خودمان دوست دارد؛ لذا اگر کسی قبول هدایت نمی‌کرد، حضرت رسول اکرم از غایت محبت به وی از اینکه او در ضلالت مانده، نفس مبارکش ضیق و دلش می‌سوخت. «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (کهف: ۶) چرا که بیش از همه، کمال مبدأ را ادراک می‌کرده و در نتیجه بیش از همه به او محبت داشته است و نیز به متعلقات و آثار محبوب که ظل اوست، عشق زیاده‌تری داشته است. (اردبیلی ۱۳۸۵ ج ۲: ۱۴۰)

بنابراین به اعتقاد امام خمینی (ع)، باید دولت یعنی نظام حاکم و نه فقط قوه مجریه که قدرت را به دست دارد و رییس دولت و رهبر نظام و سایر کارکنان و مدیران و مسئولان، عاشق مردم باشند و در عین قدرت با محبت با مردم برخورد کنند. چون محبت و به تعبیر امام فطرت کیمیایی است که به تعبیر لاک «بسیار قوی‌تر از علقه خونی، افراد بشر را به هم پیوند می‌زند. (برسفورد فاستر ۱۳۸۸ ج ۲: ۷۹۸) نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و انتظامی در این نگاه مقتدر است و نه مستکبر و عظوفت و قدرت را با هم دارد؛ چون دولت الهی است. حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومتی این چنین خواهند داشت، چنان که انبیایی چون داود، سلیمان، یوسف، حضرت خاتم النبیین و وصی ایشان امیرالمؤمنین علیهم السلام این چنین حکومت کرده‌اند. در دوران معاصر هم نظام جمهوری اسلامی ایران را به نمونه‌ای ناقص

از این مدل حکومت می‌توانیم ذکر کنیم. با این تبیین نیازی نیست که همانند برخی از متفکران مغرب زمین، مثل اوگوست کنت بگوییم «قدرت باید به نیرومندترین افراد و نه با محبت‌ترین آنها تعلق داشته باشد» (همان: ۱۲۱۵) چون می‌شود و باید باید منطقی قدرتمندترین فرد، مهربان‌ترین هم باشد. شاید هم از سر ناچاری چنین حرفی زده و اگر به او گفته می‌شد، موافقی که مقتدری مهربان، حکومت کند و نه مستکبری خشن، حتماً، شادی فطری خود را از استقرار چنین دولتی اعلام می‌کرد. (لکزایی ۱۳۹۴: ۸۹-۸۷)

۳. بعد گرایشی و ارزشی

قلب، مرکز گرایشات، عواطف، هیجانات، عشق و نفرت انسان است. این بُعد، معطوف به تقویت جنود عقل در انسان، جامعه و دولت، از جمله رأفت، رحمت، اخوت، محبت، شجاعت و پرهیز از جنود جهل شامل قساوت، خشم، خشونت، ترس، ضعف نفس، حبّ نفس و حبّ دنیا است. از این رو هر مقدار جنود عقل در انسان، جامعه و دولت تقویت و جنود جهل تضعیف شود، جهان امن‌تری خواهیم داشت. ظاهراً در این بعد، نزاع میان عقل و غضب درمی‌گیرد.

۳.۱. خشونت و انسانیت

بعد میانی انسان، با گرایشات او گره خورده است. انسان دارای گرایشات شهوی، غضبی و وهمی است. امکان دارد هر کدام از این گرایشات به تنهایی و یا به صورت ترکیبی ریاست کشور وجود انسان را به عهده بگیرند. صورت مطلوب، حکومت عقل بر سایر گرایشات است. اگر در نبرد بین قوا و گرایشات گوناگون انسان، غضب و خشونت، رهبری سایر قوا را به دست بگیرد و قدرت خود را در کشور وجود انسان تثبیت کند، باطن و شکل ملکوتی انسان به صورت یک حیوان درنده ملکوتی تمثل می‌یابد:

اگر صورت غضب در نفس تمکن پیدا کند و ملکه باطنه انسان گردد و حکم مملکت در تحت تصرف نفس سَبْعی درآید، صورت آخرین انسانی صورت سَبْع شود، در عالم برزخ و قیامت، انسان به صورت سَبْع محشور شود. (امام خمینی ۱۳۸۸: ۳۷۳)

آن گاه این رذیله و ریاست رذیلانه باعث پدید آمدن بسیاری از اخلاق و اعمال، بلکه عقاید

نکوهیده می‌شود. (همان: ۳۷۳-۳۷۴)^۱

طبق این مبنا، انسان خشن، در واقع گوهر انسانیت خویش را از دست داده و به یک حیوان درنده تبدیل شده است. بر اساس دیدگاه امام خمینی (ع)^(۱) نه تنها انسان که دولت‌ها هم ممکن است دچار این مسخ ملکوتی شوند. (لک زایی س. ۱۳ ش. ۵۱) و بر اساس همین مبناست که امام آمریکا را دولتی می‌داند که تار و پود هویت وجودی‌اش از خشونت و تروریسم تشکیل شده و سرچشمه، منشأ و منبع تمام خشونت‌های جهان است که سراسر جهان را به آتش کشیده است؛ ایشان می‌فرماید:

امریکا این تروریست بالذات دولتی است که سرتاسر جهان را به آتش کشیده و هم پیمان او صهیونیست جهانی است که برای رسیدن به مطامع خود جنایاتی مرتکب می‌شود که قلم‌ها از نوشتن و زبان‌ها از گفتن آن شرم دارند.
(۱۳۸۵ ج ۲۱: ۳۹۸)

بنابراین در این عبارت کوتاه، هم باطن حقیقی دولت‌های تروریست و صادرکنندگان تروریسم و خشونت به نقاط مختلف دنیا معرفی شده‌اند و هم این نکته که رذیله غضب و خشونت باعث پدید آمدن سایر جرم‌ها و جنایت‌ها می‌شود. در بخش بعد راجع به تروریسم بیشتر سخن می‌گوییم.

البته امام معتقد است که خداوند قوه غضب را به انسان مرحمت فرموده است تا انسان نظام خانوادگی و نظام اجتماعی و سیاسی خود را سامان بدهد و سعادت دنیا و آخرت را به دست بیاورد. اما اگر انسان «این قوه الهیه» را بر خلاف مقصد الهی و علیه نظام خانواده و مدینه فاضله انسانی به کار بگیرد، کفران نعمت کرده است. ممکن است با قوه غضبیه یک انسان، تمام خانواده بشریت و سراسر عالم دچار گرفتاری و مشکل شوند؛ زیرا درنده‌خویی و خشونت انسان، مانند درنده‌خویی سایر حیوانات نیست که محدود و نقطه پایانی داشته باشد، لذا امکان دارد که آتش جهنمی خشونت و غضب انسان، جهان را به آتش بکشد. (۱۳۸۸: ۲۴۴-۲۴۵) امام در تحلیل وقوع جنگ جهانی دوم که از خشونت‌های وسیع و فراگیر و کم سابقه تاریخ بشری

۱. امام خمینی به حدیثی از نبی اعظم صلوات الله علیه و آله و آیاتی از قرآن استناد می‌کند که به دلیل اختصار از ذکر آنها صرف نظر می‌شود.

است، می‌نویسند:

الآن که نویسنده، این اوراق را سیاه می‌کند، موقع جوشش جنگ عمومی بین متفقین و آلمان است که آتش آن در تمام سکنه عالم شعله‌ور شده و این شعله سوزنده و جهنم‌فروزنده نیست، جز نائره غضب یک جانور آدم خوار و یک سبّ تبه روزگار، که به اسم پیشوائی آلمان عالم را و خصوصاً ملت بیچاره خود را بدبخت و پریشان روزگار کرد، و اکنون رو به زوال و اضمحلال است. (همان: ۳۴۵)

در این عبارات، امام خمینی ضمن تحلیل شخصیت هیتلر به موجودی که غضب او شعله‌ور شده و از او به عنوان حیوان در شکل انسان، نام برده است.

۳.۲. خشونت و شفاعت

خطر دیگر خشونت این است که اگر این رذیله در جان انسان جاگرفت و انسان با این ملکه نفسانی - خدای نخواستہ - از این عالم بیرون رفت و از نور توحید و ولایت بی‌بهره نبود، تا زمانی که شفاعت شافعان نصیب او شود، «در سختی‌ها و فشارها و آتش‌ها و عقاب‌هایی واقع خواهد شد که ممکن است به قدر طول عمر دنیا طولانی شود». (همان: ۳۷۳) امام خمینی^(ع) تأکید می‌کند که احتمال صحت این مطلب کافی است که انسان را از خواب غفلت بیدار کند و غرور شیطانی او را درهم بشکند و به اصلاح نفس وادارد. (همان: ۳۷۴) بنابراین انسان مسلمانی که طالب شفاعت نبی رحمت صلوات الله علیه و آله است، باید خشونت و غضب خود را کنترل کند و به بی‌گناهان خشونت کلامی، رفتاری، جنسی، جسمی، جانی، مالی و آبرویی وارد نسازد و خشونت و غضب خود را در چهارچوب فرامین الهی کاملاً مدیریت کند.

۳.۳. جهت دادن به عطف و خشونت

گفته شد که قلب، مرکز گرایشات و عواطف و هیجانات و عشق و نفرت انسان است. اکنون امام خمینی^(ع) باید راه حلشان را هم در همین چهارچوب ارائه کنند و بفرمایند که گرایشات قلبی انسان به چه سمت و سویی باید باشد. به دیگر سخن متعلق محبت و نفرت انسان چه چیز و چه کسی باید باشد؟ و به تعبیر دیگر، سخن دوست و دشمن انسان مسلمان چیست و

کیست؟ باید دوست و دشمن را شناخت تا جایگاه خشونت و عطف و کاربست آن مشخص شود.

در پاسخی کلی و اجمالی به این سؤال چنین می‌توان پاسخ داد که جنود عقل و کسانی که مجهز به جنود عقل هستند، محبوب انسان هستند و جنود جهل و کسانی که مجهز به جنود جهل هستند منفور انسان هستند و انسان باید از آنان بیزاری و برائت بجوید. پاسخ را در سطح جهان اسلام و بین الملل، ارائه می‌کنیم.

امام خمینی^(ره) در کتاب جنود عقل و جهل و در اکثر پیام‌هایی که به کنگره عظیم و جهانی حج ارسال نموده تلاش داشته است تا دوست و دشمن را به مسلمانان جهان، فارغ از رنگ و نژاد و سرزمین و ملیت و خون، بشناساند و معرفی کند و بر همین اساس گرچه خود پس از انقلاب اسلامی به حج نرفت، حج را با احیای مراسم برائت و معرفی دشمنان خدا احیا نمود. بهترین دوستان مسلمانان، خداوند متعال، پیامبران و از جمله بانیان کعبه، ابراهیم و اسماعیل و محمدند صلوات الله علیهم اجمعین و بزرگ‌ترین دشمن هم شیطان است که سه بار و هر مرتبه هفت بار به صورت نمادین سنگباران می‌شود. ایشان معتقد است که «باید فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند.» (همان: ۳۱۵) دو کلیدواژه اساسی و مهم اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی در اواخر حیات ایشان بر همین مبنا از سوی ایشان مطرح شد و مرز دو جبهه محبت و نفرت را از هم جدا نمود. حضرت امام خود را در کنار و مدافع همه مردم مستضعف قرار می‌دهد و می‌گوید:

فریاد برائت ما، فریاد برائت همه مردمانی است که دیگر تحمل تفرعن آمریکا و حضور سلطه‌طلبانه آن را از دست داده‌اند و نمی‌خواهند صدای خشم و نفرتشان برای ابد در گلوهایشان خاموش و افسرده بماند و اراده کرده‌اند که آزاد زندگی کنند و آزاد بمیرند و فریادگر نسل‌ها باشند. (همان: ۳۱۸)

در این عبارت که نمونه‌های آن در پیام‌های ایشان فراوان است، بخوبی جبهه‌بندی دو جبهه مستکبر و مستضعف و جهت‌گیری خشم و نفرت مستضعفین علیه مستکبرین عنوان شده است. امام بدون هیچ اجمال و ابهامی صریحاً از آمریکا اسم می‌برد و دولت آمریکا را تالی تلوی نظام سیاسی فرعون و او را همچون نظام طاغوتی فرعون، سلطه طلب معرفی می‌کند. امام خمینی^(ره) بر همین مبنا، حجاج ایرانی را به مدارا با سایر مسلمین و حتی با مأموران

سعودی دعوت می‌کند و از آنان می‌خواهد که مقابله به مثل نکنند و با اخلاق انسانی اسلامی و نصیحت برادرانه و موعظه حسنه همه مسلمانان را از اعمال خشونت باز دارند و حتی اگر مخالفان آنان برخلاف دستورات قرآن کریم رفتار کردند، مقابله به مثل نکنند تا در پیشگاه خداوند تعالی آبرومند باشند. (همان: ۲۹) و با برخوردهای برادرانه و محبت‌آمیز توجه آنان را به انقلاب بزرگ ایران جلب نمایند. (همان: ۲۷)

از دیگر ویژگی‌های جنود عقل که در اینجا می‌توان به آن اشاره کرد، شناخت و شجاعت است. معرفت و شجاعت فعل قلب است و همین خصوصیت است که در کنار محبت و نفرت، به انسان مسلمان مدد می‌رساند که قدم در میدان مبارزه بگذارد و از تهدید و هیمنه و تبلیغ و عده و دشمن نهراسد. زهد هم از طرف دیگر حامی انسان مسلم است تا مسلم فریب زر و ثروت جبهه استکبار را نخورد. زهد یعنی به دنیا دل نبستن. زهد و محبت و شجاعت و اطاعت از رهبری و ...؛ عناصری که به نحوی پررنگ و چشم‌گیر در حج حضور دارند و در انقلاب اسلامی ایران به صورت بارز و برجسته حضور داشتند.

شاید در کارزار «اغْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶) زهد جایگاهی مهم‌تر داشته باشد و یکی از کلیدواژه‌های طلایی اخلاق سیاسی به شمار آید؛ چون تا زهد و اعراض از خود به سوی خدا صورت نگیرد، هجرت و محبت و شجاعت و اطاعت از رهبری و ... اصلاً محقق نمی‌شود و تا زمانی که مبارز، اسیر و در بند خواسته‌ها و تمایلات خود و دیگران باشد قدم از قدم بر نمی‌دارد چه برسد به آنکه شمشیر از نیام برآورد و وارد میدان نبرد شود. (لک زایی ۱۳۹۴: ۳۴۱)

۴. بعد کنشی و رفتاری

دو بعد قبلی مربوط به بعد اندیشه و انگیزه و به تعبیری ناظر به لایه‌های پنهان و باطنی وجود انسان است. اگر نتوانیم، استمرار و ادامه اندیشه و انگیزه در عرصه رفتار و عمل نشان دهیم، نظریه امام در حوزه ذهن و عالم نظر باقی می‌ماند چون فاقد عقبه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی و ... است. لذا محصول بینش و گرایش انسان، در ویتترین کنش و رفتار انسان نمایان می‌شود. امام خمینی زیان‌های خشونت در بعد رفتاری آدمی را فراوان و بلکه بی‌شمار می‌داند. (۱۳۷۹: ۱۳۸) برای طرح بحث امام، بهتر است این بحث را به مطالعات رایج عالمان علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی نزدیک کنیم و آن گاه به راهکارهای امام برای

نفی خشونت رفتاری که بر اساس دیدگاه امام خمینی بی‌شمار است، بپردازیم. خشونتی که مربوط به بعد رفتاری انسان است و از رفتار انسان نشأت می‌گیرد را می‌توان خشونت ساختاری نامید. «خشونت ساختاری از طریق گرسنگی، بیماری، ظلم، دست‌مزد کم، حقوق ناچیز قانونی یا سیاسی، بی‌سوادی، فقر بهداشتی، کم شدن امید به زندگی نمایان شود. (گریفیتس ۱۳۸۸: ۴۷۴) اقسام مختلف خشونت را معمولاً در سیاست جهان، در چهار دسته، قرار می‌دهند؛ ۱. **خشونت کلاسیک** که ناظر به صدمه زدن عمدی مثلاً در جنگ، شکنجه یا مجازات‌های غیرانسانی و اهانت‌بار است؛ ۲. **محروم‌سازی** افراد از نیازهای مادی اساسی‌شان به سرپناه، پوشاک، خوراک و آب؛ ۳. **سرکوب** که به از دست رفتن آزادی‌های انسان برای انتخاب باورهای خود و ابزار آنها اشاره دارد؛ ۴. **از خودبیگانگی** بر ضد هویت انسان و نیازهای غیرمادی اوست که از نیاز به همبستگی و داشتن رابطه با دیگران برمی‌خیزد. (همان: ۴۷۵) سایر شکل‌های خشونت شامل حمله به زیرساخت‌ها یا خرابکاری، کشتن رهبران سیاسی، نخبگان و مدیران سیاسی و علمی، شورش، جنگ چریکی و ... می‌شود.

«تهدید یا عملی ساختن خشونت با انگیزه‌های سیاسی که آماج آن را غیرنظامیان تشکیل می‌دهند، تروریسم نامیده می‌شود.» (همان: ۲۹۷) لذا شاید بتوانیم تروریسم را ترکیبی از انواع خشونت از جمله خشونت کلاسیک، محروم‌سازی، سرکوب، خرابکاری، کشتن مردم و رهبران و نخبگان، و ... بدانیم. «تروریسم در طیف خشونت سیاسی بی‌مانند است و تروریست‌ها درصددند که با ایجاد وحشت، بر مخاطبانی گسترده اعمال نفوذ کنند. (همان) گروه‌های تروریستی برای پیشبرد اهداف و مقاصد خود، ایدئولوژی‌ها و نظام‌های اعتقادی به وجود می‌آورند تا پیروان بالفعل و بالقوه خودشان را سیاسی، تندرو و بسیج کنند.» (همان: ۲۹۹)

امام خمینی با خشونت‌هایی بیش از این خشونت‌ها در قبل و بعد از پیروی انقلاب اسلامی ایران، به صورت کاملاً ملموس روبرو بوده است. بحث در این مقال و مجال واقعاً فراوان است و بحث تفصیلی را باید به فرصت دیگری موکول کرد، لذا در اینجا به اختصار بحث می‌کنیم.

امام خمینی با رژیمی مقابله کرد، که با روشی خشن و به تعبیر امام با سرنیزه (کودتا) و به صورت غیرقانونی سرکار آمده بود، (۱۳۸۵ ج ۵: ۳۹۴) مردم را سرکوب و شکنجه می‌کرد،

۱. امام در مصاحبه با روزنامه «التیمورسان» درباره دلایل مخالفت با رژیم شاه سخن گفته و انواع خشونت‌های شاه و رژیم مستبد او برشمرده است.

(همان ج ۱: ۲۷۱) قانون شکن بود و علما و روحانیون را به زندان می انداخت، رأی و خواست مردم برایش مهم نبود، (همان: ۱۵۱، ۲۸۸) و خشونت اقتصادی و فرهنگی و علمی و مذهبی^۱ را در فضایی سراسر رعب و اختناق و خفقان (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۱۸۰) حاکم کرده بود. جنایات شاه باعث شده بود که امام بر اساس مبنای انسان شناسانه خود، شاه و رژیم خشن و خونریز او را ترکیبی از قوه شهویه و غضبیه معرفی می کند: دولت ایران و شاه ایران یک معجونی است که چگونگی آن معلوم نیست، «شتر گاو پلنگ!» یا «شیر گاو پلنگ!» یک چنین چیزی است. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۳۴۳) در عرصه منطقه ای، امام خمینی^(۲) در تحلیل شخصیت صدام او را کسی می دانست که تبهکاری و آدمکشی و جنایت با روح و جان عجین شده است و اگر زمانی سلطه ای بیابد، حجاز، سوریه، کویت و کشورهای خلیج فارس را از بین خواهد برد. (همان ج ۱۷: ۸۵) امام جنس اسرائیل را هم مثل صدام، می داند، رژیمی جنایتکار که به جنایت دل خوش می کند. (همان)

امام باعث و بانی مشکلات جهان اسلام را حکومت های مسلمین می داند. حکومت های مستبدی که به جای حکمرانی بر قلوب، با فشار و خشونت، بر جسم ها و بدن ها حکومت می کنند. (همان ج ۱۴: ۱۸۰) وی معتقد است این حکومت ها هستند که به واسطه روابطشان با ابرقدرت ها و سرسپردگی شان با ابرقدرت های چپ و راست، مشکلات را برای ما و همه مسلمین ایجاد کرده اند. (همان ج ۱۳: ۸۳) ایشان در جایی دیگر می فرماید:

مشکل مسلمین فقط قدس نیست، این یکی از مشکلاتی است که مسلمین دارند. افغانستان مگر از مشکلات مسلمین نیست؟ پاکستان مگر از مشکلات مسلمین نیست؟ ترکیه مگر از مشکلات مسلمین نیست؟ مصر مگر از

۱. اسرائیل نمی خواهد در این مملکت دانشمند باشد؛ اسرائیل نمی خواهد در این مملکت قرآن باشد؛ اسرائیل نمی خواهد در این مملکت علمای دین باشند؛ اسرائیل نمی خواهد در این مملکت احکام اسلام باشد. اسرائیل به دست عمال سیاه خود، مدرسه را کوئید. ما را می کوئید؛ شما ملت را می کوئید. می خواهد اقتصاد شما را قبضه کند؛ می خواهد زراعت و تجارت شما را از بین ببرد؛ می خواهد در این مملکت، دارای ثروتی نباشد، ثروت ها را تصاحب کند به دست عمال خود. این چیزهایی که مانع هستند، چیزهایی که سد راه هستند، این سدها را می شکنند؛ قرآن سد راه است، باید شکسته شود؛ روحانیت سد راه است، باید شکسته شود؛ مدرسه فیضیه سد راه است، باید خراب شود؛ طلاب علوم دینی ممکن است بعدها سد راه بشوند، باید از پشت بام بیفتند، باید سر و دست آنها شکسته شود برای اینکه اسرائیل به منافع خودش برسد؛ دولت ما به تبعیت اسرائیل به ما اهانت می کند. ر.ک: (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۲۴۴).

مشکلات مسلمین نیست؟ عراق مگر از مشکلات مسلمین نیست؟ باید ما تحلیل کنیم که مشکل که در همه اقطار مسلمین هست، از کجا پیدا شده است و راه حلش چیست. چرا مسلمین در همه جای دنیا تحت فشار حکومت‌ها و ابرقدرت‌ها هستند و راه حل این مسأله چیست تا اینکه هم رمز پیروزی بر همه مشکلات به دست بیاید و هم قدس و افغان و سایر بلاد مسلمین آزاد بشوند.» (همان)

امام عرصه بین الملل را هم این گونه تحلیل می‌کند:

گاو شاخ دارد و عقل ندارد، اینهایی هم که در دنیا الآن فساد راه می‌اندازند از همان سنخ هستند که شاخ دارند عقل ندارند، قدرت دارند انسانیت ندارند. شما ملاحظه بکنید که امریکا در جهان چه دارد می‌کند و شوروی هم از آن طرف. و خدا خواسته است که این دو قدرت مزاحم هم هستند، مقابل هم هستند، اگر یکیشان بود دنیا را می‌بلعید. ... اگر اینها از هم نترسند دنیا را از بین می‌برند. اگر شما انسان بودید ... ملاحظه حال مستمندان و ملت‌های ضعیف را می‌کردید. نه اینکه ... در کشورشان به طور غصب وارد بشوید. این برای این است که مذهب نیستند، انسانیت در کار نیست، قدرت ۱ هست. شاخ دارند عقل ندارند. (همان ج ۱۸: ۲۰۷)

به این ترتیب امام خمینی (ره) رژیم مستبد پهلوی، صدام، اسرائیل، آمریکا به عنوان شیطان بزرگ (همان ج ۱۰: ۴۸۹) حکام کشورهای اسلامی و شوروی سابق را انسان‌های خشن و تربیت نشده‌ای می‌داند که قوه شهویه و غضبیه و شیطنت در آنها به فعلیت رسیده و از طرفی برخلاف حیوانات، شعاع فعالیتشان نامحدود است و اینها هستند که به دیگر کشورها حمله می‌کنند و صدمه می‌رسانند و با بشریت با خشونت و بی رحمی رفتار می‌کنند.

گرچه در این زمینه سخن فراوان است، به همین مقدار بسنده می‌کنیم و به راهکارهای امام برای نفی خشونت در جهان اشاره می‌کنیم. البته قبل از آن بحثی کوتاه درباره راهکارهای حذف خشونت در ادبیات رایج خواهیم داشت. معمولاً می‌نویسند حذف خشونت در چندین مرحله

۱. در این عبارت، واژه قدرت، به خشونت قابل تفسیر و تأویل است. البته تفاوت قدرت و خشونت از منظر امام خمینی بحث جداگانه‌ای می‌طلبد.

خودنمایی می‌کند:

۱. قدرت آن اندازه نیرومند نیست که از تخاصم طرفین در گیر جلوگیری کند و تنها می‌تواند استعمال قدرت جسمی را محدود یا منظم کند. تمامی مقررات داخلی و بین‌المللی در مسیر این هدف پدیدار شده‌اند. یعنی پیکار با مشیت و شمشیر از میان نرفته است، بلکه با ایجاد قواعد و مقرراتی فقط کمی محدود شده است. (دورزه ۱۳۷۸: ۲۴۰)

۲. در مرحله دوم، اشکال متمدن‌تری به جای صور خشن و وحشی می‌نشیند؛ اعتصاب به جای قتل عام و غارت و ... (همان)

۳. در این مرحله «سیاست موفق می‌شود که خشونت جسمی را کاملاً از میان بردارد و جای آن را به سایر اشکال مبارزه دهد. مبارزه‌های انتخاباتی، مذاکرات پارلمانی، بحث و جدل در کمیسیون‌ها، در واقع جایگزینی روش‌های مسالمت‌آمیز به جای زور و خشونت و پرخاش است.» (همان)

۴. در راستای مهار تروریست‌ها هم «فعالیت‌های اطلاعاتی و اطلاعات سری برای تشخیص هویت درست و هدف قرار دادن دقیق تروریست‌ها و زیرساخت تروریستی اهمیت بارزی دارد.» (گریفیتس ۱۳۸۸: ۳۰۱)

اکنون به برخی از راهکارهای امام خمینی اشاره می‌کنیم. امام خمینی، برای مهار و کنترل خشونت از سطح فردی تا بین‌المللی راهکارهایی جامع ارائه کرده است.

یکی از راهکارهای مشترک امام در تمامی مراحل وجود دارد، راهکاری است که امام خمینی آن را راهکار علمی نام‌گذاری می‌کند. منظور از راهکار علمی این است که انسان به ثمرات تلخ و نتایج ویران‌گر و مخرب خشونت و برکات رحمت و رأفت، در دو حوزه اعتقادی و اخلاقی بیندیشد و تأمل کند. این خشونت، می‌تواند در زندگی شخصی، خانوادگی، کاری، در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای، جهان اسلام و جهان اتفاق بیفتد و تفکر در عواقب اعتقادی و بینشی و اخلاقی و گرایشی به عنوان درمان توصیه می‌شود که باید قبل از عصبانیت و زبانه کشیدن شعله خشم و غصب، در فضایی آرام انجام بگیرد تا به تدریج تأثیر بگذارد.

راهکار دیگر امام، راهکار عملی است. این راهکار هم بسیار فراگیر است و امام خمینی خود نیز آن را به کار بسته است.

۴.۱. خشونت در محیط خانواده و محیط کار

وقتی فرد مثلاً در محیط خانواده و یا محیط کار عصبانی شد، از نظر امام خمینی حداقل باید یکی از این سه عمل را انجام بدهد:

اگر می‌تواند محیط را ترک کند، قبل از آنکه به قول معروف کار به جاهای باریک بکشد، محیط را ترک کند و برود.

اگر نمی‌تواند محیط را ترک کند، تغییر وضعیت بدهد، یعنی مثلاً اگر ایستاده است، بنشیند، اگر نشسته است، دراز بکشد و ...

راهکار جالب دیگر امام این است که اگر شخصی که فرد از دست او عصبانی شده، از ارحام شخص است، به او نزدیک شود و مثلاً دستش را بگیرد، این ارتباط فیزیکی باعث کاهش خشم و مهار خشونت می‌شود. (امام خمینی ۱۳۸۸: ۲۵۲)

۴.۲. خشونت در عرصه کشور

راهکار عملی که امام خمینی آن را هم خود عملی کرد، در عرصه مبارزات سیاسی با رژیم پهلوی بود. امام خمینی مردم را به جای شورش و اقدام مسلحانه و به راه انداختن جنگ داخلی، به اعتصاب و نیروهای ارتش را به ترک پست و فرار از ارتش دعوت کرد. همچنین از وکلای دو مجلس ملی و سنا هم خواست که مجلس نروند، زیرا حکومت غیرقانونی بود. (همان ۱۳۸۵ ج ۵: ۴۷۸)

معرفی کردن اسلام ناب محمدی، ایجاد و تقویت وحدت بین اقشار مختلف از راهکارهای دیگر امام بود که همواره قبل و بعد از پیروزی انقلاب دنبال می‌شد. گرچه بحث از جزئیات فرصت بیشتری می‌طلبد، لازم است که برای پرهیز از کلی‌گویی حداقل به یک مورد اشاره کنیم. در انقلاب ایران شعار «می‌کشم، می‌کشم، آنکه برادرم کشت» با لطافت و زیبایی به شعار «ما به شما گل دادیم، شما به ما گل‌لله» خطاب به برادران ارتشی سر داده شد و تأثیرات عجیبی بر جا گذاشت و به طور کلی این تئوری را که انقلاب‌ها پدیده‌ای خشن و خشونت‌بار هستند را زیر سؤال برد. موضع امام در این باره خواندنی است:

شما ای طبقه جوان ارتش، بپاخیزید و کشور خود را از زبونی و ذلت نجات دهید، و دست غارتگران را کوتاه کنید، و شرف و عزت را برای خود به یادگار

بگذارید، و سعادت دو دنیا را بیمه کنید. و وظیفه دانشجویان است که در محیط دانشگاه هر چه بیشتر ارتش را برای یک قیام همگانی تشویق و ترغیب کنند، و آنان را برادر خود بنامند و با صدای بلند از آنان سؤال کنند: آیا جواب گل، گلوله است؟! (همان ج ۳: ۴۸۷)

پس از پیروی انقلاب هم امام خمینی، رأی‌گیری و انتخابات، تدوین قانون اساسی، حرکت بر محور عدالت و قانون، ارائه الگوی مباحثه طلبگی در مجلس، مطرح کردن راهبرد اولویت رفق و مدارا، (همان ۱۳۸۸: ۳۱۵) ممنوع کردن شکنجه و تشکیل سپاه و اقدام برای تشکیل بسیج بیست میلیونی و تثبیت و تأیید ارتش، مجازات نیروهای مجرم رژیم سابق و ... از راهکارهای مهم امام برای تثبیت امنیت و مهار و کنترل خشونت در کشور بود.

یکی دیگر از راهکارهای امام خمینی برای مبارزه با اقدامات تروریستی که در کشور و در مقابله با انقلاب نوپای اسلامی ایران انجام می‌شد این بود که امام خمینی به مردم اعلام کرد که همه مسئولیت دارند که مراقب باشند و در صورت مشاهده هر امر مشکوکی در هر کجا به نیروهای مدافع نظام و انتظامی اطلاع بدهند. به این ترتیب یک شبکه اطلاعاتی قوی در سراسر کشور ایجاد شد و فضا را برای تروریست‌ها و منافقین و عناصر ضد انقلاب ناامن کرد.

۴.۳. در عرصه منطقه‌ای و جهانی

راهکارهای امام در منطقه و بین الملل معطوف به حمایت از مسلمانان و مستضعفان در سراسر جهان بود. تشکیل ارتش صد میلیونی، طرح حیات بخش امام خمینی برای مسلمین جهان است، البته این ارتش یک ارتش دفاعی است. ایشان می‌فرماید:

دولتهای کشورهای اسلامی با پشتیبانی ملت‌ها می‌توانند یک ارتش مشترک دفاعی بیش از صد میلیونی تعلیم دیده ذخیره و یک ارتش ده‌ها میلیونی زیر پرچم داشته باشند، که بزرگ‌ترین قدرت را در جهان به دست آورند. و اکنون که این حاصل نیست، دولت‌های اسلامی منطقه و حواشی آن می‌توانند یک ارتش ذخیره ده‌ها میلیونی و یک ارتش بیش از ده میلیونی تحت پرچم برای دفاع از کشورهای اسلامی داشته باشند، که این نیز فوق قدرت‌هاست. و امید است دولت‌های منطقه، با قطع نظر از زبان و نژاد و مذهب، فقط تحت پرچم

اسلام ... چنین طرح حیات بخشی را در دست مطالعه قرار دهند؛ و از کشور اسلامی ایران در این امر که مدافع کشورهای خود و برادران اسلامی خویش است الهام بگیرند. (همان ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۹۴)

اعلام روز جهانی قدس و به رسمیت نشناختن رژیم غاصب صهیونیستی و معرفی آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی به عنوان دشمن آزادی خواهان و مسلمانان جهان از دیگر راهکاری امام خمینی برای جهان عاری از خشونت و تباهی است.

«پیاپی کردن اسلام واقعی در ایران و ارائه یک الگوی عینی» (بیانات ۱۳۶۹: ۳۳۰) «معرفی اسلام آن طور که هست»، (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۳۶۴) «گسترش معنویت ایران در سطح جهان»، (همان ج ۱۳: ۹۰) «آشتی میان دولت ها و ملت ها»، (همان: ۹۶) «رساندن پیام اسلام به جهان»، (همان ج ۱۹: ۴۱۴) «بیدار ساختن ملت ها»، (همان ج ۱۳: ۲۸۱) «صدور ارزش های انسانی» (همان ج ۱۷: ۴۱۱) و «صدور تجربه های انقلاب اسلامی ایران» (همان ج ۲۰: ۳۲۵) از دیگر راهکارهای امام برای مهار خشونت در جهان است.

دمیدن روح امید و خودباوری به کالبد کم رمق مستضعفان و به ویژه مسلمانان جهان و واقف کردن آنان به توانایی های بالقوه و بالفعلشان، در قالب شعار مبارک ما می توانیم یکی دیگر از راهکارهای مهم امام خمینی بود برای مقابله با ظلم ظالمان و خشونت آنهاست.

جمع بندی

راهکار امام خمینی (ره) برای ایجاد صلح و جهان عاری از خشونت هدف اصلی مقاله حاضر بود. برای این منظور در سه محور بینشی، گرایشی و رفتاری بحث را پی گرفتیم. همان طور که به تفصیل گذشت، استقرار رحمت، رأفت، عطوفت و محبت در عین قدرت، اقتدار و حفظ عزت نفس از دغدغه های مهم امام به عنوان یک فیلسوف سیاسی و سیاستمدار کارگشته اسلامی است. حضرت امام به تمامی سطوح و ابعاد خشونت توجه داشته و برای همه آن سطوح و ساحات و ابعاد راهکار ارائه داده است. مراجعه به مفهوم شناسی بحث، نشان دهنده صحت این سخن و دلیلی است که این سخن صرفاً یک ادعا نیست. ایشان ریشه غضب و خشونت را محبت و دلبستگی به دنیا و حب نفس می داند و معتقد است که برای مهار خشونت باید صفات نیک و جنود عقل را در وجود خویش تقویت کرد. این صفات فاضله باعث می شود که انسان بتواند

صفات رذیله را از وجود خود، خانواده، جامعه و جهان، دفع و رفع کند. لذا امام خمینی^(ره)، شجاعت و اقتدار، وحدت، تشکیل ارتش بیست و صد میلیونی، انتخابات آزاد، عمل به اسلام، آگاهی بخشی، مبارزه با حکام ظالم و ستمگر و ... را از جمله راهکارهای مهار خشونت در جهان می‌داند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. امام خمینی، (۱۳۸۸). جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۳. _____ (۱۳۸۵). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. چاپ و نشر عروج. چاپ چهارم..
۴. _____ (۱۳۷۹). چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. _____ (۱۳۸۹). تفسیر سوره حمد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. چاپ دوازدهم.
۶. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۰۵). لسان العرب. قم: نشر أدب الحوزة.
۷. اردبیلی، سید عبدالغنی. (۱۳۸۵). تقریرات فلسفه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر. چاپ دوم.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷). صحاح اللغة. بیروت: دارالعلم للملایین.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل بیت علیهم السلام لإحياء التراث.
۱۰. دوروزه، موریس. (۱۳۷۸). بایسته‌های جامعه شناسی سیاسی. ترجمه و تلخیص ابوالفضل قاضی شریعت پناهی. تهران: نشر دادگستر.
۱۱. شیخ صدوق. (۱۳۶۲). الخصال. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۲. صدر الدین شیرازی. (۱۳۹۱ ق). شرح اصول الکافی. تهران: مکتبه المحمودی.
۱۳. طریحی، فخرالدین. (۱۳۶۵). مجمع البحرین و مطلع النیرین. تهران: المکتبه المرتضویه.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۷). اصول کافی. به اهتمام محمد حسین درایتی. قم: دارالحدیث.
۱۵. گریفیتس، مارتین. (۱۳۸۸). دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر نی.
۱۶. لکزایی، رضا. (۱۳۹۴). تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر حج ابراهیمی؛ با تأکید بر دیدگاه امام خمینی. مجموعه مقالات حج و انقلاب اسلامی. به کوشش: مسعود معینی پور. تهران: مشعر.
۱۷. _____ (۱۳۹۴). مؤلفه‌های بنیادین اندیشه سیاسی امام خمینی. قم: پژوهشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی العالمیه.
۱۸. لکزایی، نجف و رضا لکزایی. (۱۳۹۰). «تحلیل انقلاب اسلامی ایران در چهارچوب حکمت متعالیه». فصلنامه متین. سال سیزدهم، شماره ۵۱، تابستان.
۱۹. مایکل برسفورد فاستر و ... (۱۳۸۸). ترجمه علی رامین. جواد شیخ الاسلامی. خداوندان اندیشه سیاسی. چاپ چهارم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۰. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۱. محمد بن محمد اشعث. (بی تا). الجعفریات. طهران: مکتبه نینوی.
۲۲. نرم‌افزار آثار امام خمینی. قم: مؤسسه کامپیوتری علوم اسلامی نور.
۲۳. نوری، میرزا حسن محدث. (۱۴۰۷). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل بیت علیهم السلام لإحياء التراث.

